'سرنوشت خونین'

کاری از تیم :
Flaxen Guys

مترجم:
Yuki

کلینر:
Sahar

ویراستار:
Tsuki

تایپیست:
Bloom

Flaxen_guys

Flaxen_guys

Flaxenguys

رایه‌ی جنگل،

و حتی بوی
پلفت و پژ برنج.

حس متفاوتی
داره.
برای یکی مثل من
که تو جنگ و خون‌ریزی
زندگی کرده...

با وجود آشنا بودن
مناظر و هوای اینجا،

در حال حاضر،
همه‌ی اینا...

احساس
"متفاوتی" داره.

پسر!

هاااا...!

چیزی اذیتتون می‌کنه؟

چیزی اذیتتون می‌کنه؟

ملکه ملانیا...

یه پسر برلو تمرکز به دنیا اومده.

آه...

آه...!!!!!

تالاشید کمتر دس. چرا اینطور نرفتید؟

کشور... به خاطر همون دو تا دردسرساز در مهربانی تقسیم شدن، فرار کردند.

بهترین کالسه‌ی که برای پاشیدنی داریم.

هیچ‌چیز جالطفی‌ای تو وجودش نیست و اگری می‌کنه که با سر بریم تو دل جنگ.

ها ها ها

؟...

دردسرساز؟

پنگ پین پرنس اول و روم اومدت؟

هیچ هدیه‌ی نیارم؟

نگر کنم که چاپ مطالبی غنمتری روح به دردسرساز حساکنه

آه...

درسته، تو چیزی یادت نمیاد.
راله...
...متأسفم.

نیازی به عذرخواهی نیست.
خودت که نخواستی حافظه‌ت رو از دست بدی.

...

...برات توضیح میدم.

داستانش زیاد طولانی نیست.

آلتریون، امپراطوری که سرزمین کالیستونیا رو برپا کرد،

دیگه مثل قبل،

عقلش درست کار نمی‌کنه.

*Altherion
*CALJSTONJA

هر چند...

امپراطور

فرزند ملکه‌ی پنجم،
یعنی ملکه مالایا رو،

به‌عنوان ولیعهد معرفی کرد و اون
سومین پرنس، یوریکاجین بود.

*Yurikadeon

این غیرمنتظره بود.

پرنس‌های دیگه
معلمت بودن که حتی‌ولیعهد
انتخابش رو به‌دست نداشت.

و به‌خاطر
همین اولین پرنس
شورش کرد.

درسته.

هم در این
مورد،

از آخر اطرافیان‌ش بگیر
تا استفاده از ولیعهد این شورش
رو سرکوب کنه!

اگه اولین پرنس، که
بیشترین اعتبار رو بعد از امپراطور داره،
سرکوب شه، دیگه هیچ‌کس
شورش نکنه.

سومین پرنس باید
بیاد جلو و این شورش
رو سرکوب کنه.

به هر حال، این کار
می‌تونه تأثیر خیلی زیادی رو
جامعه داشته باشه.

اما امپراطور
شورش‌ها رو سرکوب
نکرد.

...آره. تو به قسمت
از صحنه رو شروع
شدی.

هالو...

اون به‌جای سرکوب
شورش‌ها، به گوشه غربی
خوش‌گذرونی و زن‌بازی
نشد.

عصبانی

...
دارم می‌میرم!

به‌نظرت
دلیلش چیه؟

...

دلیلش...

در حالی که
شورشی‌ها به رهبری اولین پرنس
در حال تهاجمن،

و کل کشور داره
نابود می‌شه،

امپراطور خیلی راحت
یه گوشه نشسته و داره
تماشا می‌کنه.

تو اوج جنگ،
به بهونه‌ی حفاظت از
خودش و ولیعهد،

نصف سربازا رو به
فرماندهی خودش در آورد.

به‌نظر می‌رسه نتیجه‌ی جنگ
زیاد مهم نیست.

طوری رفتار می‌کنن که اگر
برد و باخت مهم نیست.

اونا جاسوس‌هایی رو
تو امپراطوری گذاشتن.

حتی اگه دومین پرنس
به عنوان ولیعهد اهمیت نده
و تمایلی به درگیری
نداشته باشه،

اون رو به فرماندهی کل قوا
منصوب کردن.

پس ما؛ دوستِ پرنسِ از دخترات امپراطور پیروزی می‌آید!

اگر نمی‌گم اشتباه، احتمال زیاد که منو بکشه یا نه نمی‌خوام منی دارم پیش‌گیر کند.

یعنی دارین وجود دارم که نمی‌تونه علیه امپراطور بایستم؟

مطمئن نیستم که چرا.

اما پیروزی مسلمه.

جدا از نتیجه‌ی جنگ،

امپراطور می‌خواد از شرِ دومین پرنس خلاص بشه

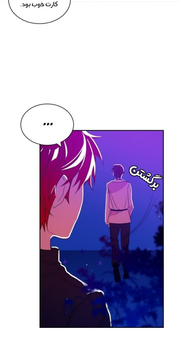

-به خاطر همین!

جذاب
کاسیا، تو گل سرسبد سربازای آروئلو هستی!

*Aruelo

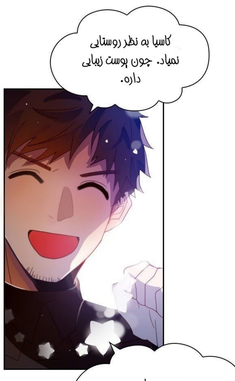
کاسیا به نظر روستایی نمیاد، چون پوست زیبایی داره.
یه‌سری از نجیب زاده‌ها ازت خوششون اومده.

...واقعاً؟

انگار قدیما از تمرینام غافل بودم.
شوک زده
آه...
اگه زیر آفتاب سوزان خیلی سخت تمرین می‌کردم، پوستم انقدر خوب نمی‌موند.

هق... کاسیا که قبلا اینجوری نبود...
ناراحت...
...

به هرحال،
هها!

از واحدمون فقط ما دوتا موندیم.
پس بیا نهایت تلاشمون رو بکنیم که زنده بمونیم.

...!

آره! یا زنده بمونیم تا زنده و سرحال برگردیم!
اومدنو درسته.

بانو کاسیا،

متأسفم که مراحم غذا خوردنتون می‌شم.

...؟
عالیجناب، دومین پرنس، دارن دنبالتون می‌گردن.

سرورم،

همون‌طور که دستور دادین، بانو کاسیا رو آوردیم.

بیا داخل.

چرا منو صدا زدن؟

진홍의 카르마

글 쌀숲
그림 리다
원작 레온제국의

제공 영스튜디오 / 팬픽컴퍼니

문화체육관광부 한국만화영상진흥원 2018 만화콘텐츠 제작 지원사업 선정작